

عواقب تلخ حواس پرتی رانندگان

فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگی ترافیک پلیس راهور تهران، درباره دلایل حواس پرتی رانندگان هشدار داد و گفت: «متأسفانه در بسیاری از تصادفات شاهد هستیم که علت حادثه، عدم توجه کافی راننده به جلو است. هرچیزی مانند دخانیات، تلفن همراه، خوردن و آشامیدن باعث حواس پرتی راننده شده و توجه کافی را از راننده می‌گیرد، بنابراین ممنوع است.» او ادامه داد که به عنوان مثال همه رانندگان می‌دانند استفاده از تلفن همراه در حین رانندگی باعث حواس پرتی راننده می‌شود اما

متأسفانه هنوز هم این اشتباه را تکرار می‌کنند و این مسأله به یک عادت بد در رانندگی تبدیل شده که می‌تواند فجایع بسیاری رقم بزند. کشیر گفت: «در این فاصله چندثانیه‌ای که رانندگان در پشت چراغ قرمز متوقف هستند، آن قدر سرگرم تلفن همراه خود و فضای مجازی هستند که حتی کشیدن ترمزدستی را هنگام توقف فراموش کرده و این چنین با خودروی جلویی برخورد می‌کنند.» وی تأکید کرد: «به همین خاطر این موارد جزو تخلفات رانندگی محسوب و برای آن جریمه در نظر گرفته شده و ماموران پلیس راهور در صورت مشاهده آن، با متخلفان برخورد می‌کنند. تأکید بر جلوگیری از این موارد برای حفظ ایمنی و جان سرنشینان خودرو است و شهروندان باید به آن توجه کنند.»

اظهارنامه

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۵۹

خود را گرفتار دام مجرمان نکنیم

سردار علی ولی‌پور گودرزی مجرمان و خلافکاران
رئیس پلیس آگاهی تهران

درست مثل ویروس در فضای جامعه در تردد و فعالیت هستند؛ بسیاری از آنها دارای ظاهری موجه و جامعه‌پسند هستند و مردم باید توجه داشته باشند که قرار نیست همیشه پوشش و رفتارشان این افراد را متوجه مقاصد شوم آنان کند. سوآلی که اینجا پیش می‌آید این است که با توجه به فعالیت مجرمان، چطور افراد در طول روز، بزه دیده نخواهند شد؟ پاسخ این پرسش توجه به نکات خودمراقبتی است که مستمر در قالب پیام‌های هشدار پلیس ارائه شده است. در صورتی که شهروندان توجه لازم را به نکات خودمراقبتی داشته باشند، حتی اگر در طول روز در مواجهه با تعداد زیادی از افراد بزهکار و آزارگر قرار بگیرند، به سلامت آن موقعیت را پشت سر می‌گذارند و مجرمان را در تحقق نقشه‌های پلیدشان با ناکامی مواجه می‌سازند. یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی که نقش زیادی در بزه‌دیدگی شهروندان به‌ویژه زنان ایفا می‌کند موضوع چگونگی تردد آنان در سطح شهر است. متأسفانه با وجود وسایل حمل و نقل عمومی مانند مترو، بی‌آرتی و تاکسی، باز هم برخی شهروندان ریسک استفاده از خودروهای شخصی را به جان خریده و خود را با احتمال وقوع تلخ‌ترین اتفاقات روبه‌رو می‌سازند. در صورت بروز هرگونه اتفاق برای شهروندان، کارآگاهان هوشمند و شجاع این پلیس تا رسیدن به نتیجه، دست از تلاش و پیگیری برنمی‌دارند. با این وجود باز هم پیشگیری، مقدم بر درمان است و لازم است شهروندان با رعایت نکات خودمراقبتی که در ادامه به آنها اشاره می‌کنم، ضمن مراقبت از خود و عزیزان‌شان، یاریگر پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم باشند. در سفرهای شهری حتماً از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده شود. لازم است شهروندان از سوار شدن به خودروهای غیرمسافرکش مصوب، به‌ویژه خودروهای دارای شیشه‌های دودی خودداری کنند و در هنگام سوار شدن به خودرو با نگاه به قسمت داخلی در خودرو، از سالم بودن دستگیره در مطمئن شده و سپس وارد خودرو شوند. شهروندان توجه داشته باشند که اگر ظاهر راننده و سایر مسافران به نظر موجه نمی‌رسد یا از این بابت احساس ناراحتی کردند، بلافاصله در را بسته و از نشستن داخل خودرو خودداری کنند. نوع ارتباط با افراد مختلف تعریف شده است و خارج شدن از این عرف، افراد را با انواع آسیب‌ها و خطرات مواجه می‌سازد. شهروندان دقت داشته باشند که هرگز بیشتر از آنچه در عرف جامعه برای ارتباط بین مسافر و راننده تعریف شده، فراتر نروند. همچنین هرگز از خودروهای شخصی که به مسافرکشی می‌پردازند، برای تردد به خارج از شهر و مسیرهای طولانی بزرگرایی استفاده نکنند. عجله داشتن برای رسیدن به مقصد، دلیل موجهی برای سوار شدن به هر خودرویی که در مقابل مردم توقف می‌کند، نیست. گاهی اوقات سارقانی که در قالب مسافرکش اقدام به سرقت می‌کنند، برای قرار دادن قربانی در شرایط مناسب، جعبه‌ای را در صندلی جلو قرار می‌دهند یا اعلام می‌کنند در جلو خراب است تا قربانی مجبور شود در صندلی عقب در کنار سارقی که قصد جیب‌بری از وی یا سرقت به‌عنف را دارد، بنشیند.

درآمد ۵۰ میلیونی با موتور دزدی

مجید غمخور تازه سبیل‌های پشت لبش سبز شده اما دستبند پلیس روی دستانش است و اتهامش سرقت موتورسیکلت‌های گران‌قیمت است. خودش می‌گوید به دنبال درآمد بالا بود که با موتور دزدی به آن رسید. در ادامه گفت‌وگو با دزد موتورهای تهران را می‌خوانید.

۱. خودت را معرفی کن.

میلاد ۴۰ ساله هستم.

۲. چقدر درس خواندی؟

تا کلاس هفتم.

۳. چرا بیشتر نخواندی؟

مغزم کشش درس نداشت. بعد از ترک تحصیل رفتم سرکار تا کمک خرج خانواده باشم. من بلند پروازم دوست دارم زود به همه چیز برسم.

۴. به خاطر همین بلند پروازی الان دستبند پلیس روی دستت است؟

حقوق کارگری خوب نبود. یک روز در قهوه‌خانه دوستم پیشنهاد داد موتور سرقت کنیم و برای هر سرقت

موتورسیکلت ۱۰ میلیون به من می‌دهد. با خودم کلنجار رفتم اما دیدم پول خوبی است. ماهی ۵ موتور هم سرقت کنم کلی جلو هستم و پولدار.

۵. قبول کردی؟

قبول کردم با آنها همکاری کنم و یک‌شبه بار خودم را بیندم.

۶. چطور سرقت می‌کردید؟

من و همدستانم ساکن کرج هستیم. هفته‌ای یکی دو روز برای سرقت به تهران می‌آمدیم و بعد از سرقت موتورسیکلت آن را به کرج منتقل می‌کردیم. در خیابان‌های تهران با موتور پرسه می‌زدیم و با دیدن موتورهایی که قفل و بست درست و حسابی نداشتند، دست به کار شده و در کمتر از پنج دقیقه آن را سرقت می‌کردیم. بیشتر سران موتورهایی می‌رفتیم که اطرافش دوربین نبود. این طور ردی از خودمان باقی نمی‌گذاشتیم.

۷. با موتور سرقتی چه می‌کردید؟

موتور را بعد از این‌که به کرج می‌آوردیم به یکی از



رودررو

عکس‌ها تزیینی است

همدستان‌مان می‌دادیم و او ارکان و شماره‌اش را تغییر می‌داد و به مناطق غربی کشور می‌برد و می‌فروخت. بعد از هر فروش هم سهم ما را واریز می‌کرد.

۸. بیشتر چه موتورهایی سرقت می‌کردید؟

آپاچی، بنلی، ان‌اس و کلیک، موتورهایی سرقت می‌کردیم که بالای ۱۰۰ میلیون باشد و درصد زیادی پول گیرمان بیاید.

۹. چند موتور سرقت کردی؟

فکر کنم ۱۹ موتور دزدیدیم که پلیس بعد از دستگیری ۱۵ دستگاه را کشف کرد.

۱۰. چطور دستگیر شدید؟

یکی از اعضای باند حین سرقت دستگیر شد و همه‌مان را لو داد.

۱۱. ارزشش را داشت؟

گفتم که بلند پرواز هستم. ۱۵ میلیون حقوق کارگری از صبح تا شب بهتر است یا ۵۰ میلیون با چند دزدی در ماه. من به درآمد و پول زیادی که می‌خواستم، رسیدم.

از قهرمانی کشتی تا سرقت

راننده را داشتم. من دزد نیستم و تحصیلکرده هستم.

۱. تحصیل‌کرده؟

بله. من فوق دیپلم تربیت بدنی دارم و همان‌طور که گفتم در کانادا و روسیه در کشتی آزاد مدال طلا و برنز جهانی دارم.

۲. پس چرا دست به سرقت می‌زدی؟

چون می‌خواستم پول موادم را در بیاورم. من برای این‌کارم از همدستم سهمی از پول سرقت را می‌گرفتم و خرج هروئین می‌کردم. حالا باید بروم حبس چون فقط همدست یک دزد بودم.

۳. ارزشش را داشت؟

الان بگویم، قطعاً نه. من آن زمان عاشق بودم و جوان و نمی‌دانستم بدون او زندگی جریان دارد و حالا با اعتیاد و اتهام سرقت دست و پنجه نرم می‌کنم. من از عرش به فرش که نه، به کف خیابان و جوی‌های شهر سقوط کردم و حالا دزد هم خطاب می‌شوم که آن را اصلاً دوست ندارم.

که وقتی به خودم آمدم دیدم یک معتاد مفنگی شده‌ام. ورزش را کنار گذاشتم و به کف خیابان رفتم.

۴. بعد چه شد؟

اول کارگر یک باشگاه ورزشی شدم ولی مواد پول بیشتری می‌خواست. برای همین به پیشنهاد دوستم فکر کردم و قبول کردم همدست او شوم.

۵. پیشنهاد دوست چه بود؟

او پیشنهاد داد وقتی به سرقت خودرو و لوازم داخل آن می‌رود من همراهش بروم و به نوعی راننده‌اش باشم.

۶. پس سارقی؟

نه. من همدست بودم و بیشتر نقش

«وقتی وارد زندگی‌ام شد فکر کردم خوشبخت‌ترین آدم روی زمین هستم. ولی با رفتنش من و زندگی‌ام را خراب کرد. از قهرمان جهان تبدیل به یک مفنگی شدم که برای مواد مجبور بود سرقت کند.» این خلاصه زندگی سارق حرفه‌ای خودرو است که از سوی پلیس دستگیر شده است. در ادامه گفت‌وگو با این سارق را می‌خوانید.

۱. ادعای دزدی و ورزشکاری؟

من قهرمان کشتی جوانان بودم و دو مدال جهانی و آسیایی دارم اما آن دختری که عاشقش شدم زندگی‌ام را نابود کرد.

۲. چه شد که زندگی‌ات نابود شد؟

یک روز قرار گذاشت و اعلام کرد من را نمی‌خواهد. من هم فکر کردم که زندگی‌ام بدون او فایده ندارد. ۴۰ تا قرص خوردم که خودکشی کنم اما زنده ماندم. بعد تحمل شرایط هروئین مصرف



برای کردم